

فصلنامه راهبرد سیاسی

سال سوم، شماره ۸، بهار ۱۳۹۸

صفحات: ۲۴۱-۲۳۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۱۲؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۳/۲۸

اعتماد عمومی مردم حلقه گمشده حیات ایران امروز

حبیب عشایری*

چکیده

کاهش اعتماد ملی آحاد مردم و بروز بحرانهای احتمالی در زمره بنیادی ترین دشواریهای حیات ایران امروز به شمار می آید. عوامل مختلفی در شکل گیری این دشواری نقش آفرینی نموده است که اهم آنها عبارتند از: مغفول ماندن قانون اساسی، سیاست زدگی، گفتمان فقهاتی، به محاق رفتن علوم انسانی، خروج سرمایه های مادی و معنوی، کاهش ارزش پول ملی و تعدادی دیگر که هر کدام از آنها به تنهایی سبب کاهش اعتماد عمومی شده است. سازوکار عملی حل و فصل فوری چالش های مذکور؛ داشتن عزم و اراده راسخ برای برون رفت از وضعیت موجود است. البته علم سیاست برپایه جامعه شناسی سیاسی راه برون رفت و ترقی ایران امروز را درک صحیح شرایط موجود توسط مسئولان دانسته است. البته می توان با استفاده از ظرفیت های مختلف پایه های وحدت ملی را مستحکم نمود و با اتکا به دانش روز از دالان های خطرناک عبور کرد و سپس کشور را در مسیر رشد قرار داد. افزایش اعتماد عمومی موجب تعامل بیشتر و بهتر میان آحاد مردم و دولت و همچنین مشارکت سیاسی آنها می شود، ضمن آنکه کاهش آن سبب عدم حمایت و پشتیبانی مردم از مسئولین و به تبع آن عدم رعایت قوانین و مقررات، عدم حمایت از برنامه های مختلف دولت و در موارد خیلی حاد موجب بحران مشروعیت می گردد. روش پژوهش در این مقاله تحلیلی-توصیفی بوده و چارچوب بحث بر مبنای نظریه جامعه شناسی سیاسی ایران مبتنی است.

کلید واژه ها

اعتماد عمومی، سرمایه اجتماعی، گفتمان فقهاتی، مشارکت سیاسی.

* دکترای تخصصی اندیشه سیاسی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
habib.ashayeri79@yahoo.com

مقدمه

اعتماد عمومی اقشارمختلف اجتماعی به دلیل سایه سنگین بسیاری از تصمیماتی که توسط مسئولین بخش‌های گوناگون اجرایی، تقنینی و دست‌اندرکاران حاکم در طی بیش از چهار دهه پس از انقلاب اسلامی ایران اتخاذ گردیده است و نتایج و آثار منفی زیادی را برجای گذاشته است؛ بتدریج آسیب دیده و به جد به عنوان دشواره حیات ایران امروز نیازمند ترمیم می‌باشد. زیرا بی‌توجهی بیش از این یقیناً درمیان مدت عوارض و نتایج غیرقابل‌جبرانی را دربر خواهد داشت. درحالی‌که وقتی انقلاب اسلامی ایران درسال ۵۷ به پیروزی رسید، بیش از یک قرن از ورود کشور ما به زندگی جدید و توسعه و پیشرفت می‌گذشت. انقلاب ایران از نظر مسلمانان این کشور یک حرکت عقلایی به شمار می‌آمد که در پی تأمین یک رشته اهداف انسانی درعصر توسعه و پیشرفت بود. شعارهای آزادی و استقلال و جمهوری اسلامی که درصدر شعارهای انقلاب قرارداشت، به وضوح و صداقت این واقعیت را نشان می‌داد. آن قرائت از اسلام که انقلاب را همراهی می‌کرد، یک قرائت عقلایی- انسانی بود. آن قرائت، حقوق اساسی افراد درنظام سیاسی جامعه به معنای جدید آن وابتناء مشروعیت سیاسی برآراء وخواست مردم و ضرورت مدیریت عقلایی و علمی حکومت را به رسمیت می‌شناخت. این قرائت معقول و قابل قبول از دین با واقعیت‌های جهان معاصر سازگار بود، توسعه و دموکراسی را به رسمیت می‌شناخت، حکومت کردن را مدیریت عقلایی جامعه می‌دانست، قانون اساسی راميثاقی تلقی می‌کرد که متناسب با شرایط تاریخی پیروزی یک انقلاب تدوین شده و درشرایط تاریخی دیگری قابل ترمیم واصلح است. همه چیز انسانی دیده می‌شد. اسلام، دینی نگریسته می‌شد که یک انقلاب شکوهمند را همراهی کرده وپشتوانه ارزش‌های عدالتخواهانه آن انقلاب قرارگرفته وپس از پیروزی نیز ارزش‌های سیاسی- حقوقی، حاکمیت ملت و حقوق اساسی افراد را که درقانون اساسی آمده، تایید کرده است. این بیان آغازین از اهداف متعالی و رسالت‌های اصلی انقلاب اسلامی ایران از این باب مطرح گردید که هم‌اکنون متأسفانه شاهد فاصله عمیق میان اهداف مترقی انقلاب با وضعیت حاکم بر حیات ایران امروز و سست‌گردیدن پایه‌های بنیادین اعتماد عمومی مردم نسبت به رفتار و گفتار مسئولین درعرصه‌های مختلف می‌باشیم. اساساً اعتماد عمومی مردم به عنوان یکی از شقوق ناگسستنی سرمایه اجتماعی به روابط بین مردم و حاکمیت نظر دارد. افزایش اعتماد عمومی موجب تعامل بیشتر و بهتر میان آحاد مردم و دولت و همچنین مشارکت سیاسی آنها می‌شود، ضمن آنکه کاهش آن سبب عدم حمایت و پشتیبانی

مردم از مسئولین و به تبع آن عدم رعایت قوانین و مقررات، عدم حمایت از برنامه های مختلف دولت و درموارد خیلی حاد موجب بحران مشروعیت می گردد. در چنین شرایط حادی؛ به باور میشل فوکو بی اعتمادی اقشارمختلف مردم باعث فرسایش سرمایه اجتماعی گردیده و به انزوا، ذره ای شدن، گسسته شدن پیوندها و از بین رفتن شبکه روابط بین فردی می انجامد. از طرف دیگر، بی اعتمادی باتحریک و برانگیختن افراد درجهت جستجو برای یافتن جانشین ها اغلب بپذیرش هویت های غیرقانونی نظیر: خرده فرهنگ های منحرف و نظایران؛ خود را از حالت فردیت خارج کرده و او را از خود بیگانه می سازد. بنابراین سطح اعتماد موجود در جامعه تعیین کننده درجه دموکراسی و توانایی آن جامعه برای رقابت درعرصه های گوناگون است. ضمن آنکه درشرایط اجتماعی مستحکم و پایدار، آرزوهای انسانها ازطریق هنجارها تنظیم و محدود شده است. با ازم پاشیدگی هنجارها وازبین رفتن کنترل آرزوها؛ انومی یا یک وضعیت آرزوهای بی حدوحدصر بوجود می آید. از آنجا که این آرزوهای بی حد طبعا نمی توانند ارضاء و اشباع شوند، درنتیجه یک شرایط نارضایتی اجتماعی دائمی پدید می آید. سپس این نارضایتی در جریان های اقدامات اجتماعی منفی نظیر: خودکشی،اقدامات جنایی، طلاق وغیره.. ظاهر می گردد. لذا برمبنای این گونه تحلیل های جامعه شناختی می توان ادعا نمود که؛ سست شدن اعتماد ملی آحاد مردم و بروز بحرانهای احتمالی در زمره بنیادی ترین دشواره حیاتی ایران امروز به شمار می آید. البته برگزاری همه پرسی دربرخی از مسائل مهم کشور طبیعتا موجب وفاق ملی و عبور از دالان های خطرناک خواهد بود. مولفه های مختلفی در شکل گیری این دشواره نقش آفرینی نموده است که شرح آنها درادامه ذکرخواهدشد.

چهارچوب نظری

اعتماد عمومی درمتن کنش های انسانی نمود پیدا می کند، بخصوص درآن دسته از کنش ها که جهت گیری معطوف به آینده دارد و آن نوعی رابطه کیفی است. اعتماد، تسهیل کننده مبادلات در فضای اجتماعی- سیاسی است که هزینه مذاکرات و مبادلات اجتماعی- سیاسی را به حداقل می رساند و برای حل و فصل مسائل مربوط به نظم اجتماعی نقش تعیین کننده ای دارد(ازکیاوغفاری، ۱۳۸۰: ۷). درجوامعی که اعتماد بالایی وجود دارد، مسئولیت پذیری بیشتری در سطوح پایین جامعه دیده می شود و در مقابل در جوامعی که اعتماد کمتری وجود دارد، به نوعی فرار از مسئولیت بیشتر دیده می شود(Erden, 2009: 218). به اعتقاد گیدنز، اعتماد

به شیرازه زمان و مکان مربوط می شود. او بر این باور است که اعتماد با انتظارات محاسبه شده سروکار دارد و بیشتر با امنیت مرتبط می باشد (گیدنز، ۱۳۸۰: ۱۸۷-۱۷۵). به نظر پاتنام، اعتماد از مولفه های مهم و حیاتی سرمایه اجتماعی است. او معتقد است که بدون اعتماد اغلب فعالیت های اصلی زندگی روزمره غیرممکن می شود (kazemipur, 2006: 2). طبق اصل ۵۹ قانون اساسی مصوب سال ۱۳۵۸ که در بازنگری نیز بدون تغییر باقی مانده است، در خواست مراجعه به آراء عمومی باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس برسد. درارتباط با موضوع تحقیق؛ اندیشمندان خارجی و داخلی از زوایای مختلف نسبت به ارائه دیدگاه ها و نقطه نظرات تخصصی خود در قالب آثارمختلف اقدام نموده اند. دراین خصوص می توان به برخی از مهم ترین آنها مانند: کتاب "معنای مدرنیت" که توسط جامعه شناس معروف آنتونی گیدنز نوشته شده است، اشاره نمود. ضمن آنکه کتاب فرانسیس فوکویاما نظریه پرداز سرشناس نیز تحت عنوان "پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن" قابل ذکر است. تمرکز هردو کتاب مورد اشاره بر نسبت سنجی میان سطح اعتماد عمومی مردم و درجه دموکراسی مبتنی است. همچنین اثر فرامرز رفیع پور عضو هیات علمی دانشگاه شهیدبهشتی نیز تحت عنوان "آنومی یا آشفتگی اجتماعی" قابل تامل است. البته کتاب اخیر با تکیه بر نظریات برخی از جامعه شناسان غربی ضمن توجه دقیق به اهمیت هنجارها در تنظیم روابط اجتماعی، دلایل نارضایتی های اجتماعی- سیاسی را نیز بیان نموده است و از این جهت بر اعتماد عمومی تاکید شده است.

دلایل عدم اعتماد عمومی

مغفول ماندن قانون اساسی: در قانون اساسی معانی ارزشی، سیاسی و حقوقی مهمی مورد توجه قرار گرفته است که محصول مدرنیته و دوران جدیدزندگی انسان است. برای شهروندان سه دسته حقوق اساسی در نظر گرفته شده است؛ الف) حقوق آزادیها، ب) حقوق شهروندی، ج) حقوق اجتماعی. در این خصوص باید به نادیده گرفته شدن برخی از مهم ترین اصول قانون اساسی مانند؛ اصل بیست و هفت مبنی بر آزادی تشکیل اجتماعات، اصل پنجاه و نه در خصوص مراجعه به آراء عمومی از طریق برگزاری همه پرسی و اصل یکصد و شصت و هشت قانون اساسی با محوریت رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی به شکل علنی و با حضور هیات منصفه اشاره کرد.

فاصله میان رفتار و گفتار حاکمان: بعنوان نمونه در طی گذشت چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی همواره کلیه دولتمردان و مسئولان از گسترش کمی و کیفی دانش در سطح جامعه و حمایت از دانش آموختگان به شکل شعاری و نمادین پشتیبانی کرده اند. اما امروز همگان شاهد هستند به دلیل آنکه تناسبی میان ظرفیت های مختلف رشته های تحصیلی دانشگاه ها و مراکز اشتغال فارغ التحصیلان وجود ندارد، عملاً چالش فوق تبدیل به یک بحران فراگیر در اغلب رشته های تخصصی دانشگاهی شده است. به باور رضا داوری اردکانی؛ در کشورهای توسعه نیافته از علم و دانش بسیار حرف می زنند، اما در حقیقت علم بیشتر یک نیاز حیثیتی جامعه های در راه توسعه است، نه نیاز حقیقی که با درک شان علم در جامعه متجدد قرین است.

سیاست زدگی: به دفعات در رسانه های مختلف ارتباط جمعی خواننده و یاشنیده شده است؛ فرد یا افرادی به رغم عدم بهره مندی از تخصص و دانش لازم در حوزه های گوناگونی ورزشی و یا هنری و فرهنگی به صرف وابستگی و یا همسویی با جریان خاص سیاسی، متأسفانه در مناصب مهم مدیریتی حوزه های مذکور گماشته شده است. درحالیکه از ظرفیت ها و پتانسیل مدیریتی موجود در آن بخش های تخصصی عامدانه و آگاهانه غفلت شده است. به تعبیری در فضای سیاست که پنهانکاری و فریب عامدانه همیشه نقشی مهم را بازی کرده اند، خودفریبی که به نوعی مظهر سیاست زدگی تلقی می گردد، نه تنها همه پیوندهایش را با مخاطبانانش از دست می دهد، بلکه پیوندش را با جهان واقعی هم از دست می دهد(آرنت، ۱۳۹۷: ۵۷).

نابودی منابع و ثروت ملی: کوه خواری، از بین بردن مراتع و جنگلها و تغییر کاربری زمین های کشاورزی با هدف ساخت و سازهای غیرمجاز ضمن آسیب رسانی شدید به محیط زیست، تبعات دیگری رانیز دربردارد و عملاً شرایط زیست نسل آتی را با بحران حاد مواجه خواهد ساخت. سرقت آثارباستانی، بهره گیری ناشیانه از ظرفیت های آبراه ها، رودخانه ها و مسیل های آبی درزمره مصادیق مهم نابودی ثروت های ملی به شمار می آید. شاید یکی از دلایل؛ ناشی از سلطه دولتی ها و شبه دولتی ها بر منابع و ثروت های ملی می باشد. طبیعتاً خصوصی سازی واقعی می تواند با خارج کردن دارایی های خاصی از کنترل دولت و تبدیل اقدامات صلاحدیدگی از بروز فساد بکاهد(راغفر، ۱۳۸۸: ۲۹۷).

فعالیت های هسته ای: یقیناً استفاده از دستاوردهای صلح آمیز فعالیت های هسته ای بویژه در حوزه درمان و بهداشت ثمرات زیادی را برای شهروندان در بر خواهد داشت. اما هم اکنون به

دلیل چالش های مهم تر نظیر؛ مشکلات زیست محیطی، بیکاری دانش آموختگان رشته های مختلف دانشگاهی، شیوع ویروس کرونا و بهداشت و بسیاری از مشکلات ناشی از تحریم های ناجوانمردانه تغییر اولویت بندی هزینه کرد منابع به سمت اینگونه فعالیت اجتناب پذیری باشد.

به محاق رفتن علوم انسانی: از یک منظر می توان به محاق رفتن علوم انسانی در کشورهای نظیر؛ جمهوری اسلامی ایران را به ماهیت آبجکتیو {objective} بودن اینگونه علوم دانست. چنانچه دانش های آبجکتیو مبتنی بر معیار و محک برای تشخیص بهتر هستند. درحالیکه موضوعات ساجکتیو {subjective} فاقد محک و معیار می باشند و ماهیت اصلی این قبیل موضوعات ذوقی و سلیقه ای است. ضمن آنکه درونمایه علوم انسانی بردو پایه حقیقت طلبی و عدالت طلبی استوار است (ملکیان، ۱۳۸۷: ۴۲۹-۴۲۷). از آنجا که علوم انسانی از نیازهای بشر در دنیای معاصر است. لذا درک صحیح یک چنین علمی در کشور ما مستلزم توجه عمیق مبتنی بر سنت زنده است. سنت زنده همان است که عالمان دینی باشناخت روح و مقتضای اصلی از سنت نبوی برای شرایط امروز استنباط می کنند. به عبارت دیگر سنت زنده همان اسلام متناسب با دنیای جدید است (طباطبایی، ۱۳۹۷: ۸۴).

فرار مغزها: در جامعه ای که میان جمعیت، منابع و امکانات تعادل برقرار نباشد و افراد جامعه درآمد و امکانات خود را شایسته و منطبق با تحصیلات، تلاش و موقعیت خود ندانند، به فکر ترک جامعه می افتند. به عبارتی عدم تعادل میان امکانات و منابع انسانی موجب می شود شاهد سرریز نیروی متخصص انسانی به کشورهایی باشیم که حاضرند برای یک سرمایه انسانی حاضر و آماده امکانات خوبی فراهم کنند.

خروج سرمایه های مادی و معنوی: بنا بر گزارش بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۱۹، فضای کسب و کار در کشورهای چون گرجستان، امارات، آذربایجان، قزاقستان، ارمنستان، ترکیه، بحرین، قرقیزستان، ازبکستان، عمان، قطر، عربستان، کویت، اردن، مصر و تاجیکستان از کشور ایران مساعدتر و سهل تر بوده و این کشورها می توانند به نوعی تهدیدی بالقوه برای خروج سرمایه های درون ایران محسوب شوند.

پوپولیسم: این تفکر محصول تمرکز و انحصار قدرت سیاسی از یک سو و جامعه توده ای فعال و بسیج پذیری باشد. اگر قرائت فعلی از دین نتواند با آنچه که به عنوان عقل اجتماعی از آن نام می بریم، یعنی پدیده ای که حیات اجتماعی ما را رقم می زند، پیوند ایجاد کند؛ یقیناً

بازنده تفاسیر جزمی ازدین خواهد بود. این امر نیز خود سبب ترویج پوپولیسم می گردد (قادری، ۱۳۸۷: ۱۱۷).

کاهش ارزش پول ملی: دولت تعهدات زیادی را برای انجام دادن بر عهده می‌گیرد، ولی برای انجام این تعهدات درآمد کافی در اختیار ندارد. به عبارتی دولت بودجه لازم را برای انجام تعهداتش در اختیار ندارد. برای رفع این مشکل دولت مجبور می‌شود از بانک مرکزی استقراض کند یا به نظام بانکی فشار وارد کند. این تصمیم منجر به ایجاد نقدینگی می‌شود. این نقدینگی نیز به نوبه خود ایجاد تورم می‌کند. نهایتاً تورم، نرخ ارز را در مقابل ریال افزایش می‌دهد و خود از رشد ارز تاثیر می‌پذیرد. به این ترتیب وضعیت کنونی را شکل می‌بخشد (سرزعی، ۱۳۹۷: ۴۸۴۲).

مطالبات اقوام و اقلیت‌ها: اقوام و اقلیت‌ها به علت موقعیت‌های پراکنده‌ای که در جامعه ایران داشتند، خواه ناخواه در معرض تبعیض قرار گرفته‌اند و به همین علت همواره خطر بالقوه تعارضات یکی از چالش‌های محتمل کشورمان است. رسیدگی به وضع اقتصادی اقوام و اقلیت‌ها و تلاش برای از بین بردن احساس نابرابری‌های اجتماعی - سیاسی، فرهنگی و بازشناسی هویت آنها تا حد زیادی چالش هویت ملی را کمتر می‌کند. توجه به حقوق شهروندی آنها مطابق با قانون اساسی و مشارکت دادن بیشتر آنها در بدنه تصمیم‌گیری قطعاً تعلق خاطر آنها را به ایران و هویت ملی بیشتر می‌کند.

زنان: نقش و اهمیت جایگاه زنان در جوامع توسعه یافته برکسی پوشیده نیست. در کشور خودمان زنان ماموریت‌های مختلفی را در طی چهار دهه در عرصه‌های گوناگون برعهده داشته‌اند. اما همواره در ادوار مختلف مطالبات آنها بویژه در حوزه‌های ورزشی، هنری، فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نادیده گرفته شده است. زن مسلمان در کشور ما می‌بایست به منظور ایفای نقش‌های ارزشمند مادری و همسری خود در چارچوب خانواده توأم با مشارکت فعال، آگاهانه و سرنوشت ساز در حیات سیاسی و اجتماعی جامعه خود برد و محدودیت فایق آید؛ اول، محدودیتی که به واسطه تفکر محافظه کارانه سنتی در قالب عرف‌ها و رسوم اجتماعی، زن را از حقوق واقعی اش محروم ساخته است و دوم، محدودیتی که به واسطه تفکر غربی زن را به وادی ابتذال و شی‌وارگی کشانده و او را از آزادی و اصالتش بی بهره ساخته است.

مشارکت سیاسی: به نظر می‌رسد که ساختار سیاسی نه تنها بسترساز مشارکت سیاسی موثر نبوده است و بلکه زمینه ظهور مولفه‌های ذیل گردیده است؛ الف) پوپولیسم ب) شبه

دموکراسی معلق که برآیند میزانی از عدم تمرکز و رقابت در قدرت سیاسی از یکسو و جامعه مدنی نسبتاً فعال از سوی دیگر در دوره اصلاحات، (ج) رژیم‌هایی که به واسطه تعلیق فرایند گذار به دموکراسی پدیدآمد و حاصل ترکیب تمرکز و انحصار قدرت سیاسی از سوی و ظهور جامعه توده‌ای منفعل و یا بسیج ناپذیر از سوی دیگر می‌باشد (بشیریه، ۱۳۸۷: ۲۶۶).

نتیجه‌گیری

حیات ایران امروز به شدت نیازمند توجه عمیق به احیاء مجدد اعتماد عمومی مردم می‌باشد. تداوم نظام سیاسی حاکم به طور اجتناب ناپذیری به مشارکت پذیر نمودن آحاد و اقشار مختلف اجتماعی در فرایند تصمیم‌گیریها و تصمیم‌سازی‌ها در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی وابسته است. از آنجا که هم‌اکنون منطقه خاورمیانه به لحاظ اوضاع سیاسی حاکم بر اغلب کشورهای این منطقه نابسامان است، و حتی آبستن هرگونه تحولات مهمی می‌باشد، لذا عنایت ویژه حاکمان سیاسی به ارکان مختلف مقوم دموکراسی نظیر؛ اعتماد اجتماعی از اهم اولویت‌های برنامه ریزی کوتاه مدت و میان مدت است. ضمن آنکه التزام به آزادی‌های مختلف مدنی از دیگر محورهای مهم دموکراسی قلمداد می‌گردد. در واقع فرق است بین اینکه بگوییم حق درآستین ماست، باینکه بگوییم حق در تضارب آراء مکشوف و معلوم می‌شود. اولی موجب می‌گردد که دیگرانی را به تعبد و تسلیم فراخوانیم و دومی به دعوت و توصیه به اندیشه و انتقاد منتهی می‌شود. اولی پی‌ریزی مستبدانه‌ای دارد و دومی معماری دموکراسی را برعهده دارد. شاید یکی از دلایل مهم غفلت عامدانه از ضرورت احیاء مجدد اعتماد عمومی مردم، شاعرانه‌گردیدن عرصه جدی سیاست است. چنانچه در یک اقدام غیرمنتظره چرخش محسوسی نسبت به تغییر رویکرد نظام سیاسی در عرصه سیاست خارجی صورت گیرد و باب گفتگو و تعامل نیز در سطح داخلی اولویت شود، در آن صورت بمنظور احیاء اعتماد عموم مردم می‌توان با تکیه بر عزم و اراده قوی ضمن نهادینه کردن چرخش نخبگی با تکیه بر مولفه‌های مختلف مردم‌سالاری دینی؛ در مسیر توسعه پایدار قرار گرفت و تجربه درخشان جوامع توسعه یافته را در ایجاد و پشت سر گذاشتن دولت‌های قابلیت‌ساز، انطباق‌گرا، عدالت‌گرا و شهروند مدار ارتقاگرا آزمود. البته فراهم‌سازی زمینه همه‌پرسی در خصوص برخی از سیاست‌های کلان و بهره‌گیری از نظرات عمومی مردم یقیناً راه حل مناسبی برای برون‌رفت از مسائل و مشکلات پیش‌رو می‌باشد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰). «بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهرستان کاشان»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۷
- آرنت، هانا (۱۳۹۷). *بحران‌های جمهوری*، ترجمه علی معظمی، تهران: فرهنگ جاوید، چ اول.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۷). *گذار به دموکراسی*، تهران: نگاه معاصر، چ دوم.
- جابرانصاری، محمدرضا و پارسائیان، افشین (۱۳۹۶). «مدل ارائه مطلوب خدمات عمومی، با بهره‌گیری از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی)»، *فصلنامه مطالعات قدرت نرم*، دوره ۷، شماره ۲، صص ۱۶۰-۱۷۲.
- راغفر، حسین (۱۳۸۸). *دولت، فساد و فرصت‌های اجتماعی؛ تعامل اندیشه در اقتصاد سیاسی توسعه*، تهران: نقش و نگار، چ اول.
- زارع برمی، مرتضی (۱۳۹۷). «انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در نظام آموزشی کشور (تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی در تراز انقلاب اسلامی و دفاع مقدس)»، *فصلنامه مطالعات دفاع مقدس*، دوره ۴، شماره ۲، صص ۵۳-۸۶.
- سرزعی، علی (۱۳۹۷). «چرا ارزش پول ملی ایران پایین است؟»، *روزنامه مردم سالاری*، شماره ۴۸۴۲
- شاهین، مهدی (۱۳۹۶). «بررسی نحوه عملکرد و نقش بسیج اساتید در مقابله با راهبرد جنگ نرم (مورد مطالعه: استان لرستان)»، *فصلنامه مطالعات قدرت نرم*، دوره ۷، شماره ۲، صص ۴۲-۵۹.
- طباطبایی، سیدهادی (۱۳۹۷). *حدیث نواندیشان دینی*، تهران: کویر، چ اول.
- فاطمی، داود و اسلامی فارسانی، عباس (۱۳۹۷). «ارزیابی نظام ارزش‌های جامعه در دوران دفاع مقدس و دوران کنونی»، *فصلنامه مطالعات دفاع مقدس*، دوره ۴، شماره ۲، صص ۱۱۳-۱۵۰.
- قادری، حاتم (۱۳۸۷). *اندیشه در مرز*، تهران: نگاه معاصر، چ چهارم.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰). *معنای مدرنیته*، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: کویر، چ اول.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۷). *مشتاقی و مهجوری*، تهران: نگاه معاصر، چ دوم.

ب) منابع انگلیسی

- Erden, A (2009). "predicting organization trust level of school managers and teachers at elementary schools, procedia social and behavioral sciences". pp.2180-2190
- Kazemipur, A (2006). "social trust, ethnic diversity, and immigrants": Canada university alberta publication.